

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء(س)
سال سیزدهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵، پیاپی ۳۲

Doi: [10.22051/tqh.2017.9360.1179](https://doi.org/10.22051/tqh.2017.9360.1179)

کنکاشی پیرامون حدیث تفسیری بعوضه در تفسیر قمی و آسیب‌شناسی آن

سید رضا مؤدب^۱

محسن دلیر^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۲/۰۱

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۰۸/۰۱

چکیده

در گذر زمان، برخی از احادیث دچار آسیب‌هایی شده‌اند که از جمله این آسیب‌ها، نقل به معنا بدون رعایت شرایط آن، تحریف و نیز تطبیق غیر دقیق بر آیات قرآن است. این آسیب‌ها مانع از فهم صحیح و پذیرش بدون بررسی احادیث می‌شوند. بنابراین لازم است برای پذیرش یک حدیث یا نفی صدور آن و در صورت پذیرش، دست‌یابی به فهم صحیح از آن، نخست به کنکاش از مصدر و اعتبار آن پرداخت. از جمله احادیثی که بعضی از مفسران ادعا کرده‌اند که جعلی است، حدیث بعوضه در تفسیر قمی از امام صادق(ع) است که در آن مراد از

moadab@yahoo.com

Deleer.mohsen@gmail.com

^۱ استاد علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم

^۲ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

بعوضه در آیه ۲۶ سوره بقره، امیرالمؤمنین معرفی شده است. حدیث دیگری در تفسیر امام عسکری «ع» نقل شده که برخی آن را نشان جعلی بودن حدیث بعوضه دانسته‌اند. در برابر برخی تلاش کرده‌اند تا راه حلی برای جمع میان این دو حدیث بیابند. در این مقاله با بررسی علمی و روشمند سند و متن روایت بعوضه و نقد فنی آن، از جمله تشکیل خانواده حدیثی و تحلیل متنی احادیث مرتبط، امکان جمع دلالتی یا ترجیح هر یک از احادیث مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شده که حدیث بعوضه دچار آسیب نقل به معنای بدون رعایت شرایط شده که زمینه ساز آسیب فهم نادرست از تفسیر آیه است. نیز آسیب‌های تحریف در متن و تدلیس در سند روایت بعوضه قابل ردیابی است. همچنین ثابت شده که تطبیق واژه "بعوضه" بر امام «ع» به عنوان بطن آیه ۲۶ سوره بقره نادرست و روایت صحیح آن نیز در دسترس است.

واژه‌های کلیدی: حدیث بعوضه، تفسیر قمی، تفسیر امام عسکری «ع»، تحریف، آسیب‌های حدیث.

مقدمه

در گذر زمان، برخی از احادیث دچار آسیب‌هایی شده‌اند، از جمله این آسیب‌ها، آسیب‌های بیرونی هستند (دلبری، ۱۳۹۲، ص ۳۳) که برخی از زیر مجموعه‌های آن عبارتند از: **الف)** نقل به معنای بدون رعایت شرایط که راوی شنیده‌های خود را با واژگان و ساختاری غیر از واژگان و ساختار کلام معصوم، بیان کند (دلبری، ۱۳۸۹، ص ۶۲) و به شرطی جایز است که ضرری به مفهوم و معنای حدیث وارد نسازد. (مؤدب، ۱۳۹۱، ص ۳۲۸ و ۳۲۹) عدم رعایت این شرط، موجب تحریف حدیث و افزایش میزان تأثیرپذیری آن از برداشت‌های شخصی راوی می‌شود. (دلبری، ۱۳۸۹، ص ۷۶ و ۷۵)

در رابطه با این آسیب، امام علی «ع» راویان حدیث را به چهار گروه منافق، خطاکار، اهل شبهه و صادق حافظ تقسیم و راوی خطاکار را کسی معرفی می‌کند که حدیثی شنیده ولی آن

را درست حفظ نکرده و درباره آن به توهم افتاده ولی عمداً دروغ نساخته است. (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۴۵)

ب) تطبیق غیر دقیق احادیث بر آیات. اگر مفهوم کلی باطنی قرآن بر فرد یا افرادی خارجی که وضعیت مشابه مورد نزول دارد، تطبیق شود، به این عمل "جری و تطبیق" گفته می‌شود. (رستمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۵۴ و ۱۶۰-۱۵۹) عدم تحلیل دلالتی احادیث، باعث تطبیق غیر دقیق احادیث بر آیات می‌شود که از پیامدهای نقل به معنای بدون رعایت شرایط است. در این آسیب، برخی واژگان قرآنی که در فضای یک آیه، مفهوم و مصداق خاصی دارند، به لحاظ اشتراک ظاهری با واژگانی در احادیث غیر مرتبط، به وسیله آن احادیث تفسیر یا تأویل می‌شوند. (اسعدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۱)

ج) تحریف به معنای تغییر در واژگان و عبارتهاست، به صورتی که معنای آنها عوض شود. (ربانی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۶ و ۲۲۹) در این مقاله آسیب‌های سه گانه بالا که همگی در یک حدیث، گرد آمده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته و در جهت رفع آنها تلاش شده است.

۱. حدیث تفسیری بطن آیه بعوضه

در قرآن کریم آمده است: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ﴾ (البقرة: ۲۶)، خداوند از اینکه به موجودات ظاهراً کوچکی مانند پشه و بالاتر از آن مثال بزند، شرم نمی‌کند. آنان که ایمان آورده‌اند، می‌دانند که آن حقیقتی است از طرف پروردگارشان و اما آنها که راه کفر را پیموده‌اند، این موضوع را بهانه کرده، می‌گویند: «منظور خداوند از این مثل چه بوده است؟! خدا جمع زیادی را با آن گمراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند ولی تنها فاسقان را با آن گمراه می‌سازد!

علی بن ابراهیم قمی که در قرن سوم هجری می‌زیسته، در تفسیر این آیه از امام صادق(ع) نقل کرده است: «این مثال را خدا برای امیرالمؤمنین(ع) زده است، پس بعوضه (پشه) امیرالمؤمنین(ع) و بالاتر از آن رسول خدا(ص) است». (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۵)

از این حدیث در طی این مقاله، با عنوان حدیث بعوضه یاد خواهد شد.

۱-۱. دیدگاه مفسران درباره حدیث بعوضه و نقد آنها

۱-۱-۱. جعلی بودن حدیث

برخی مضمون حدیث را توهین به رسول خدا «ص» و امیرالمؤمنین «ع» و جعلی دانسته‌اند (ایازی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۲؛ معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۲۸) و لذا حاصلی جز سبک کردن شخصیت آنها ندارد و اهانتی آشکار به مقام قدسی پیامبر «ص» و علی «ع» است. (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۳۲۴)

نقد: اینکه خدای متعال در بطن آیه به رسول خدا «ص» و امیرالمؤمنین «ع» مثالی زده باشد، ملازمه‌ای با توهین به آن حضرات ندارد؛ چون باید به جای واژه‌های بعوضه و ذباب، (پشه و مگس) نام ایشان را قرار داد، نه اینکه ایشان مصداق این حشرات باشند. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۰۲) مبنای اصلی حکم به جعل، اطمینان عقلایی بدست آمده با قرینه‌های گوناگون است و ضعف سند یا متن، به تنهایی موجب اطمینان به ساختگی بودن حدیث نمی‌شود؛ از این رو لازم است پیش از حکم به جعل، سند و متن آن مورد سنجش قرار گیرد. (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۲۳۲)

۱-۱-۲. مبین بودن حدیث برای بطن آیه ۲۶ سوره بقره

حدیث بعوضه، مبین بطن آیه ۲۶ سوره بقره است؛ (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۵۴۱) چون اولاً، رسالت جزء ظواهر وجود و ولایت، غیب رسالت است، مگس روزها و پشه شب‌ها دیده می‌شوند.

ثانیاً، واژه بعض (به معنی بخش) از ماده "بعوض" مشتق شده و نسبت علی «ع» به رسول خدا «ص» همانند سر به جسم (سر بخشی از جسم) است و واژه بعوض با آن تناسب دارد. ثالثاً، بعوضه (پشه) از عصاره درونی موجودات و چکیده غذاها که همان خون است، تغذیه می‌کند. همچنین کسی به ولایت دست نمی‌یابد مگر اینکه خود را برای خدا خالص و درونش را پاک کند.

رابعاً، واژه «ذباب» یا به معنای جلوگیری و حمایت و دفاع کردن است، چنان که به مرد دفاع کننده از حریم خود «رجل ذباب» بر وزن شداد، گفته می شود و یا به معنای زنبور عسل است که ذباب و مگس عسل نیز خوانده می شود و یا از ترکیب «ذباب السیف» گرفته شده که لبه تیز شمشیر است و یا از «ذباب العین»، مردمک چشم، گرفته شده و یا از «رجل اذب» به معنای مرد قد بلند گرفته شده و یا از «ذبذبه اللسان» و یا از «ذبابة» بر وزن ثمامه به معنای باقیمانده دین و قرض گرفته شده است؛ چون رسول خدا «ص»، مدافع و حامی شریعت و زنبور عسلی است که برای مردم شفا دارد و لبه تیز شمشیر خدا در برابر شرک و سرچشمه رحمت برای همه آفرینش و زبان خدای متعال است که با راستی از او خبر داده و باقی مانده الهی است. (قطیفی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵۳)

نقد: قابل پذیرش نیست که روایتی شاذ، غریب و ناسازگار با اصول عقلی، گویای حقیقت و منحصر کننده آیه در یک فرد خاص باشد. تأویل های ائمه «ع»، دور از ذهن و مخالف با اعتقادات و مسلمات دینی، عقلی و تاریخی نیستند و از این رو فهم بسیاری از آنها برای عموم مردم امکان پذیر است اما تأویل های ناسازگار با مبانی اعتقادی که با عقل، علم و تاریخ قطعی ناسازگارند، پذیرفتنی نیست؛ (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۰ و ۱۲۹) زیرا حدیث بعوضه مبین بطن آیه ۲۶ سوره بقره است که اگر صریح، آشکار و رسا نباشد، به جای تبیین، موجب سردرگمی خواهد شد.

۱-۱-۳. توقف و رد علم

گاه نقد حدیث جای خود را به نقد فهم می دهد یعنی حدیث صادر شده، معنای پذیرفته شده و درستی دارد اما به دلیل ژرفا و والایی مضمون، آن را درست نفهمیده ایم یا به دلیل عجله، کم دقتی و بروز برخی موانع فهم نتوانسته ایم با مقصود حدیث ارتباط درستی برقرار کنیم که با نگاهی دوباره و یافتن قرینه های بیشتر و دقت در آنها، حدیث را دریافته و آن را باور می کنیم.

در این میان، آنچه از اعتبار ساقط می‌شود، فهم ماست و نه محتوا و مقصود اصلی حدیث و این همان شیوه پیشینیان نیک‌آیین و سفارش امامان است که پیروان خود را به توقف در این-گونه موارد مبهم فراخوانده و از شتاب در رد و انکار بازداشته (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۱۷۸) و فرموده‌اند که حدیث ما سخت و فهم آن دشوار است. هر حدیثی را شنیدید و از آن متنفر شدید و ناخوش داشتید، علم آن را به خدا، پیامبر و عالمان آل محمد «ص» ارجاع دهید و آن را نفی و رد نکنید. (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۰۱) پس چون معنای حدیث بعوضه برای ما روشن نیست و فهم آن مشکل است، باید فهمش را به معصومین وا گذاشت. (بابایی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۶۷)

دو نقد به این نظر وارد شده است:

اولاً، این حدیث عوام را از تعرض به آنچه نمی‌فهمند و استعداد درک آن را ندارند و خواص را از نقل چنین احادیثی برای عوام، نهی فرموده است، (مازندرانی، ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۲) نه از رد احادیثی که با صریح قرآن، سنت و عقل مخالفت دارند و آثار وضع و جعل بر آنها هویدا است.

ثانیاً، چگونه می‌توان پذیرفت احادیث تفسیری که برای رفع ابهام از آیات قرآن صدور یافته‌اند، (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۹۹-۱۰۱) خود موجب حیرت و ابهام شده و مشکل را مضاعف کنند. پس نمی‌توان گفت که معنای حدیث بعوضه را باید مسکوت گذاشت بلکه امر دایر بین عدم پذیرش صدور حدیث از امام صادق «ع» و پذیرش جعل آن و یا جستجوی معنایی روشن و مبین آیه برای آن است.

۴-۱-۱. ریشه‌یابی و تصحیح حدیث

جستجوی ریشه حدیث و بررسی امکان تحریف یا تصحیف و تطبیق غیر دقیق آن، به عنوان بطن آیه (اسعدی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۱) که در این مقاله نیز همین راه پی گرفته شده است.

۲. تحلیل فنی و روشمند حدیث بعوضه

پیش از آنکه به حدیثی برچسب جعل زده شود، لازم است از نظر فنی و به صورت روشمند تحلیل شده و امکان تصحیح یا دست‌یابی به شکل صحیح آن مورد بررسی قرار گیرد. این فرایند در مقاله پیش رو دو مرحله دارد:

نخست، ارزیابی سند حدیث، شامل بررسی صحت انتساب تفسیر به علی بن ابراهیم قمی و ارزیابی سلسله سند حدیث بعوضه از نظر تک تک راویان و مجموع آنهاست.

دوم، جستجوی احادیث مشابه و عرضه و تطبیق آنها با حدیث بعوضه در جهت ابهام‌زدایی که از سوی معصومین «ع» آموزش داده شده و به این روش توصیه شده است (مؤدب، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵) که به آن اصطلاحاً تشکیل خانواده حدیثی گفته می‌شود.

قرینه‌های منفصل بیشتر از نوع کلام هستند و مهم‌ترین آنها احادیثی هستند که با حدیث مورد بحث، ارتباط دارند. بر این اساس می‌توانیم احادیث هم‌مضمون و مرتبط را از احادیث ناسخ و معارض جدا کرده و آنها را خانواده حدیث بنامیم. (معارف، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱ و ۱۵۰)

۲-۱. ارزیابی انتساب تفسیر به علی بن ابراهیم قمی

شناخت منبع ناقل حدیث به نقد حدیث کمک می‌کند. بسیاری از نقدهای محدثان نخستین ناظر به کتاب و نه سند شخصی حدیث بوده است؛ زیرا منبع، هراندازه ضعیف‌تر و داوری کتاب‌شناسان درباره آن منفی‌تر باشد، اطمینان به حدیث کاهش و احتمال جعلی بودن حدیث افزایش می‌یابد. (مسعودی، ۱۳۹۳، ص ۲۲۰)

مفسران در علو مقام و موثق بودن علی بن ابراهیم قمی اختلافی ندارند ولی درباره انتساب تفسیر معروف به قمی به علی بن ابراهیم، هم‌نظر نیستند که به اعتبار حدیث بعوضه خدشه وارد می‌کند. گروهی معتقد شده‌اند که راویان موجود در سلسله احادیث تفسیر قمی، بر اساس توثیق عام مقدمه این تفسیر، همگی موثق هستند. این نظر در معجم رجال الحدیث از شیخ حر عاملی نقل و از سوی نویسنده، تقویت شده است (خویی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۴۹)

اما گروه دیگری قائل به تفصیل میان احادیث موجود در آن شده و گفته‌اند که بخشی از آن را ابوالفضل العباس بن محمد بن قاسم از خود علی بن ابراهیم قمی و بخش دیگر را از ابوالجارود، زیاد بن منذر، نقل کرده (داوری، ۱۴۱۶، ص ۱۶۵) و گروهی هم مطالب آن را

چهار بخش دانسته‌اند: بخشی را ابوالفضل العباس از علی بن ابراهیم و قسمتی از ابوالجارود و گروهی را از منابع دیگر نقل کرده و قسمت چهارم، حدیث نیست بلکه نظر شخصی علی بن ابراهیم، ابوالجارود یا شخص ابوالفضل العباس است. (استادی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۱)

برخی نیز بر این باورند که مقدمه این تفسیر از خود علی بن ابراهیم نیست و توثیق عام موجود در آن، بی‌اعتبار است. (فتاحی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۴۴) اهمیت انتساب بخشی از این تفسیر به ابوالجارود در این است که او مؤسس فرقه‌ای انحرافی از زیدیه بوده است. (امین، ۱۴۰۶، ج ۷، ص ۸۳؛ آقا بزرگ تهرانی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۲۵۱) گروهی هم این تفسیر را کلاً بی‌اعتبار و بر ساخته ابوالفضل العباس می‌دانند که بی‌دلیل به قمی منسوب شده است. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۱)

۲-۲. بررسی سندی حدیث بعوضه

علی بن ابراهیم حدیث بعوضه را از پدرش از نصر بن سوید از قاسم بن سلیمان از معلی بن خنیس از امام صادق (ع) نقل کرده است. «نصر بن سوید»، ثقه (طوسی، ۱۴۱۵، ص ۳۴۵) و صحیح الحدیث است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۲۷؛ حلی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۴) و «قاسم بن سلیمان بغدادی کوفی» صاحب کتاب است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۳۱۴) و به اعتبار اعتماد بزرگان به کتاب او و با توجه به نقل ۱۱۹ حدیث از او (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۲)، می‌توان او را موثق دانست.

گروهی «معلی بن خنیس» را ضعیف و غیر قابل اعتماد (نجاشی، ۱۴۰۷، ص ۴۱۷؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۱۱۰) و گروهی قابل تجلیل دانسته‌اند (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۳۴۷) و روایات متفاوتی در مدح و ذم او نقل شده است. (کشی، ۱۳۴۸، ص ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۳۷۷-۳۸۲) در معجم رجال الحدیث با جمع‌بندی روایات و ارزیابی‌های مختلف، وی را مردی صدوق و راستگو که مورد عنایت امام صادق (ع) بوده، دانسته است. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۸، ص ۲۴۷)

بنابر این روایان حدیث بعوضه موثق و یا دست کم ممدوح هستند و این روایت دست کم، در طبقه روایات حسن قرار می‌گیرد. در نتیجه لازم است روایت از نظر دلالتی مورد بررسی قرار گیرد.

۲-۳. خانواده حدیثی

در منابع روایی شیعی، حدیثی می‌یابیم که نخستین بار در تفسیر امام عسکری «ع» ذکر شده است و می‌توان آن را با حدیث مورد بحث در یک خانواده حدیثی قرار داد. در این حدیث، شخصی مضمون روایت بعوضه را به امام باقر «ع» عرضه داشته و از آن حضرت درخواست ارزیابی این حدیث را می‌نماید. امام در پاسخ می‌فرماید: ایشان چیزی شنیده‌اند ولی آن را بر وجهش قرار نداده‌اند. سپس فرمود: روزی رسول خدا «ص» با علی «ع» ایستاده بود که شنید کسی می‌گوید: ما شاء الله و شاء محمد، هر چه خدا بخواهد و محمد بخواهد.

همچنین شنید که کس دیگری می‌گوید: هر چه خدا بخواهد و علی بخواهد. در این هنگام رسول خدا «ع» فرمود: مشیت محمد و علی را با خدای عزوجل قرین مسازید بلکه بگویید: ما شاء الله ثم شاء محمد، ما شاء الله ثم شاء علی، هر چه خدا بخواهد، سپس محمد بخواهد، هر چه خدا بخواهد، سپس علی بخواهد؛ زیرا مشیت الهی قاهر و بالاتر است و برابر و هم کفو و هم سنگی ندارد و محمد رسول خدا در دین خدا و در برابر قدرت او جز همانند مگسی نیست که در این املاک گسترده پرواز می‌کند و علی در دین خدا و در برابر قدرت او چیزی جز همانند پشه‌ای در میان این املاک نیست. با وجود اینکه فضل و برتری خدای متعال بر محمد و علی، فضل و برتری است که فضل او بر همه آفریده‌هایش از اول روزگار تا آخر آن معادل آن نمی‌شود.

این چیزی است که رسول خدا «ص» در ذکر ذباب و بعوضه فرمود، پس داخل در آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَا بَعُوضَةً﴾ نمی‌شود. (امام عسکری، ۱۴۰۹، ص ۲۱۰) این حدیث در برخی از تفاسیر متأخر همچون تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۱۶۱)، کنز الدقایق (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱، ص ۳۰۲)، تفسیر الصراط المستقیم (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۵۴۱)، المحکم و المتشابه (لاری، ۱۴۱۸، ص ۴۴۶) و رسائل آل طوق (قطیفی، ۱۴۲۲، ج ۳، ص ۱۵۱) هم نقل شده است.

۲-۴. تعارض حدیث بعوضه و حدیث تفسیر امام عسکری «ع»

برخی از مفسران با کنار هم قرار دادن حدیث بعوضه و حدیث تفسیر امام عسکری «ع»، آن دو را در تعارض با هم و حدیث اخیر را انکار حدیث بعوضه دانسته‌اند. (معرفت، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۸۶)

نقد: تعارض، به تنافی دو یا چند دلیل از نظر دلالت و در مقام اثبات گفته می‌شود که در میان آنها تناقض یا تضاد حقیقی یا عرضی وجود داشته باشد و به‌طور اجمالی دروغ بودن یکی از آنها معلوم بوده و اصلاً امکان جمع آنها وجود نداشته باشد. پس به صرف منافات داشتن مدلول دو دلیل، میان آنها تعارض پدید نمی‌آید. (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱، ص ۴۳۷) بر این اساس، ادعای تعارض بین دو روایت رد و تلاش شده با هم جمع شوند.

۵-۲. جمع دلالتی حدیث بعوضه با حدیث تفسیر امام عسکری «ع»

دو حدیث ظاهراً متعارض، نخست از نظر معنا و دلالت واژگان مورد بررسی قرار می‌گیرد، اگر با تأویل و تغییر در دلالت، امکان ایجاد سازش میان آنها وجود داشت، باید انجام شود؛ زیرا بر طبق قاعده، عمل به دو دلیل تا جایی که امکان دارد بهتر از ترک یکی از آن دوست؛ (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۳۶؛ مشکینی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۴) از این رو تعارض مورد بحث با حمل حدیث تفسیر امام عسکری «ع» به تنزیل و ظاهر قرآن و حمل حدیث بعوضه به تأویل و باطن آن، حل شده است؛ (بروجردی، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۵۴۲) زیرا امام باقر «ع» اینکه معنای ظاهری «بعوضه» در آیه، امیرالمؤمنین «ع» باشد را نفی کرده، در حالی که در روایت بعوضه، معنای بطن آیه امیرالمؤمنین «ع» دانسته شده است، پس دو روایت با هم تعارض ندارند و هر کدام به ساحتی جداگانه اشاره دارد.

خدا ایشان را این طور تشبیه کرده و ذات خویش را به نور تشبیه کرده تا کسی توهم نکند که ایشان «ع» در کنار عظمت خدای متعال چیزی به شمار می‌آیند یا با خدای متعال در کنه ذات و صفاتش شریک هستند یا قائل به حلول یا اتحاد ایشان با خدای متعال شود؛ زیرا خدا از همه اینها برتر است. پس خدای متعال به این مطلب توجه داده که ایشان اگرچه بزرگ‌ترین و شریف‌ترین مخلوقات هستند ولی در برابر عظمت خدای متعال همانند پشه و امثال آن می‌باشند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۴، ص ۳۹۳)

نقد: نمی‌توان به مجرد تعارض دو روایت آن دو را جمع کرد، به ویژه وقتی عرف چنان معنایی را نپذیرد (آخوند خراسانی، ۱۴۳۱، ص ۴۴۱) بلکه در چنین روایاتی دو حالت قابل تصور است:

الف) هیچ کدام از دو روایت مزیتی برای ترجیح نداشته باشند که اگر حجیت هر دو ثابت باشد، باید در پی وجهی برای جمع آنها بود.

ب) یکی از آنها مزیت و مُرَجَّحی دارد که عمل به روایت دارای مزیت و رجحان، واجب است. (انصاری، ۱۴۲۴، ج ۴، ص ۵۳)

بنابراین لازم است نخست وضعیت دو روایت از نظر دارا بودن مزیت و رجحان بررسی و مشخص شود جزء کدام گروه هستند و روش مربوط به آن گروه چیست؟

۶-۲. ارزیابی تفسیر منسوب به امام عسکری «ع»

پیش از این تفسیر قمی ارزیابی و معلوم شد که نظر واحدی در سنجش اعتبار آن وجود ندارد. تفسیر منسوب به امام عسکری «ع» نیز همچون تفسیر قمی دچار ارزیابی‌های مختلفی شده که بازه‌ای از بی‌اعتباری تا باور به گنجینه الهی بودن را دربر می‌گیرد.

نظریه بی‌اعتبار بودن تفسیر منسوب به امام عسکری «ع» به ابن غضائری، علامه حلی، محقق تفرشی، استرآبادی، علامه قهپایی، محقق داماد، آیت الله خوئی، علامه بلاغی و علامه شوشتری نسبت داده شده است. (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۱ و ۱۵۰) که آن را ساخته ابویعقوب یوسف بن محمد بن زیاد و ابوالحسن علی بن محمد بن سیار دانسته‌اند. (معرفت، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۳۳۱)

از باورمندان به اعتبار این تفسیر نیز می‌توان به صدوق، طبرسی (نویسنده/حتجاج)، راوندی، ابن شهر آشوب، کرکی، شهید ثانی، مجلسی اول و دوم، حر عاملی، فیض کاشانی، سید هاشم بحرانی، حویزی، سید نعمت الله جزائری، وحید بهبهانی، سید عبدالله شبر، شیخ انصاری، شیخ عبدالله مامقانی و آیت الله بروجردی و بسیاری دیگر نام برد. (هاشمی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷) نظر میانه آن است که باید احادیث آن مورد ارزیابی قرار گیرد و برای هر حدیث، شاهد صدقی یافت شود، می‌توان گفت که معتبر است. (استادی، ۱۳۸۳، ص ۷۹)

بنابر این می‌توان حدیث بعوضه و حدیث تفسیر امام عسکری «ع» را از نظر اعتبار منبع در یک ردیف دانست و بر اساس نظریه تفصیلی اخیر به جستجوی قرینه‌های دیگری برای ترجیح یکی از آنها پرداخت. آنچه باید توجه کرد این است که روایت تفسیر امام عسکری «ع» به صورت مرسل ذکر شده که البته بر فرض صحت انتساب آن به امام عسکری «ع» نیازی به آن نیست.

۲-۲. تقدم و تأخر زمانی دو حدیث (ترجیح بالاحدیة)

یکی از اسباب ترجیح در تعارض دو حدیث، ترجیح حدیث جدیدتر است. یعنی اگر یکی از دو روایت، از نظر زمانی از امام متقدم و دیگری از امام متأخر نقل شده باشد، روایت متأخر را می‌پذیریم. (قمی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۶۷-۱۶۴)

بنابراین، چون روایت بعوضه از امام صادق «ع» و روایت تفسیر منسوب به امام عسکری «ع» از امام باقر «ع» نقل شده‌اند، می‌توان ادعا کرد که روایت امام صادق «ع» ترجیح دارد و باید مضمون روایت بعوضه را پذیرفت.

نقد: بر اساس نظری که مشهور علما آن را پذیرفته‌اند، با وجود امکان جمع دلالتی جایی برای مراجعه به مرجحات باقی نمی‌ماند. (مروجی، ۱۴۱۰، ج ۱۲، ص ۱۲۴) بیشتر فقها نیز زمان صدور را مرجح ندانسته‌اند و به همین دلیل شیخ انصاری آن را در کتاب رسائل ذکر نکرده است. (تبریزی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۳۲۳)

همچنین اگر حدیثی از امامی نقل شود و امام پس از او آن را رد یا تصحیح کند، تعجب برانگیز نیست؛ زیرا ممکن است حدیث دچار آسیب یا جعل شده باشد اما اینکه حدیثی از امامی نقل شود و نفی و رد یا تصحیح آن از امام پیش از او نقل شده باشد، تعجب برانگیز است و جای سؤال و بررسی دارد. دو حدیث بعوضه و تفسیر امام عسکری «ع» چنین احادیثی هستند؛ زیرا حدیث بعوضه از امام صادق «ع» نقل شده ولی نقد آن به امام باقر «ع» نسبت داده شده است. نکته دیگر اینکه اعتقاد عرضه شده به امام باقر «ع» از زبان دوست‌داران آن حضرت نقل شده و به روایتی از معصوم نسبت داده نشده است اما همین اعتقاد در حدیث بعوضه از امام صادق «ع» نقل شده، نه از دوست‌داران ایشان.

۲-۸. تدلیس در سند حدیث بعوضه

اگرچه راویان سند روایت بعوضه پیش از این، به صورت یک به یک مورد بررسی قرار گرفتند ولی بررسی انتساب تفسیر علی بن ابراهیم قمی به او، وجود اختلاف نظرهایی را روشن ساخت که اعتبار روایات این تفسیر را اگر از میان نبرد، دست کم مخدوش می‌سازد. اگر این اشکال به مشکلی که در بخش اخیر ذکر شد، انکار این روایت توسط امام پیشین، اضافه شود، پذیرش صدور روایت بعوضه را مشکل می‌سازد. این دو اشکال در مجموع، احتمال وجود تدلیس در سلسله سند حدیث بعوضه را به ذهن متبادر می‌کند که باید با دقت مورد بررسی قرار گیرد؛ زیرا ممکن است کسانی اعتقاد نفی شده توسط امام باقر(ع) را گرفته و با سند سازی به امام صادق(ع) نسبت داده باشند.

در سلسله سند حدیث بعوضه اشکالی پنهان قابل ردگیری است؛ زیرا با وجود اینکه «نضر بن سوید»، ۸۶ حدیث از قاسم بن سلیمان نقل کرده، در تمام منابع دست اول، تنها سه حدیث از این تعداد به واسطه علی بن ابراهیم از پدرش نقل شده است ولی روایتی که «قاسم بن سلیمان از معلی بن خنیس» نقل کرده باشد، در منابع معتبر وجود ندارد کما اینکه در کتب رجالی «معلی بن خنیس» به عنوان شیخ حدیثی قاسم بن سلیمان ذکر نشده است. (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۴، ص ۲۱)

بر این اساس، احتمال تدلیسی در سند حدیث افزایش می‌یابد، به این صورت که بین قاسم بن سلیمان و معلی بن خنیس، نام یک راوی حذف یا تغییر داده شده و یا سلسله سند آن از ریشه جعلی باشد. این احتمال زمانی تقویت می‌شود که با جستجو در منابع تفسیر روایی تنها در دو منبع، سه حدیث با این سلسله سند پیدا می‌شود که یکی از آنها، حدیث مورد بوده و دومی هم در تفسیر قمی در ذیل آیه ﴿وَعَلَامَاتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ﴾ (النحل: ۱۶) ذکر شده:

۱- این تعداد احادیث نقل شده در کتب اربعه است که با افزودن احادیث با این ترکیب سندی در دیگر منابع دست اول، نزدیک به ۲۶ حدیث به این عداد اضافه خواهد شد.

۲- سه حدیث مذکور تنها در کتاب کافی نقل شده‌اند (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۵۳ و ج ۳، ص ۲۶۲ و ج ۵، ص ۳۵)

«عن أبی عبد الله «ع» قال: النجم رسول الله و العلامات الأئمة» (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۳۸۳)، پیامبر «ص»، ستاره و علامت‌ها، امامان «ع» هستند.

حدیث سوم، در کتاب بصائر الدرجات و با واسطه احمد بن محمد بن عیسی از حسین بن سعید اهوازی نقل شده که در آن، آیه ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بَعِيرٌ هُدًى مِنَ اللَّهِ﴾ (قصص: ۵۰) به نقل از امام صادق «ع» چنین تفسیر شده است: «یعنی من یتخذ دینه رأیه بغير هدی أئمة من أئمة الهدی»، (صفار، ۱۴۰۴، ص ۱۳) جای تعجب دارد که در برخی منابع متأخر، این حدیث با همین سند «قاسم بن سلیمان از معلی بن خنیس» به واسطه علی بن ابراهیم قمی از پدرش نقل شده است (استرآبادی، ۱۴۰۹، ص ۴۱۳) که در این صورت هر سه حدیث، منحصر در نقل علی بن ابراهیم قمی خواهند شد و احتمال جعل و تدلیس نیز در سلسله سند افزایش خواهد یافت.

روشن است که این سلسله سند به تفسیر قرآن اختصاص یافته و هر دو حدیث تفسیر قمی به ذکر بطن قرآن و تطبیق آیات و مفردات آن به معصومین علیهم السلام پرداخته‌اند.

اگر متن حدیث نقل شده از امام باقر «ع» نبود، ممکن بود حدیث بعوضه را کاملاً مجعول بدانیم، در حالی که تحلیل حدیث امام باقر «ع» دریچه‌ای جدید به روی حدیث پژوهش می‌گشاید.

۹-۲. تحلیل حدیث امام باقر (علیه السلام)

حدیث نقل شده از امام باقر «ع» سه بخش دارد که باید برای قضاوت درباره اعتبار حدیث بعوضه، مورد توجه قرار گیرند:

نخست، مضمون حدیث بعوضه به دوستان امام باقر «ع» منسوب شده ولی امام «ع» آن را مستند به روایتی فرموده که در جایگاهش قرار نگرفته است. معلوم می‌شود که این مضمون، پیش از آن حضرت وجود داشته و برداشتی از یک روایت صحیح بوده است.

عبارت «ایشان چیزی شنیده‌اند ولی آن را در جایگاهش قرار نداده‌اند» در روایات دیگری نیز آمده است، چنان که امام علی «ع» آن را با دروغ بستن به پیامبر «ص» یکسان انگاشته است. (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۶، ص ۲۹۵)

توضیح اینکه بیشتر واضعان افرادی باریک‌بین و زیرک بودند یا از سوی چنین افرادی مدیریت و هدایت می‌شدند. ایشان گاهی برای رسیدن آسان‌تر و کم‌خطرتر به هدف خود، احادیث متناسب با کار خویش را گرد آورده و بدون آنکه واژگان یا معنای ظاهری روایات را دگرگون سازند، آنها را در جایگاهی غیر از جایگاه اصلی خود به کار می‌بردند. این شیوه، تطبیق نادرست حدیث بر فردی غیر از مصداق اصلی آن بود که حدیث دچار تحریف معنوی می‌شد. (مسعود، ۱۳۹۳، ص ۱۶۶) پس، امام باقر(ع) در این بخش از حدیث به تحریف پدید آمده در حدیث بعوضه اشاره فرموده است.

بخش دوم، در این بخش امام(ع) اصل حدیث را ذکر می‌کند.

بخش سوم در این بخش امام(ع) ارتباط صورت درست حدیث را با آیه ۲۶ سوره بقره، رد می‌کند.

با توجه به دو بخش نخست روایت امام باقر(ع) که وجود روایتی صحیح برای روایت بعوضه را تأیید و اصل آن را نقل می‌کند، شایسته است، منابع روایی مورد کنکاش قرار گیرند تا معلوم شود که آیا چنین حدیثی را پیش از وجود مقدس امام باقر(ع) می‌توان یافت؟

۱۰-۲. کنکاش پیشینه حدیث

مضمون حدیث امام باقر(ع) در چندین حدیث با تفاوت‌های اندکی نسبت به هم از پیامبر اکرم(ص) نقل شده است (صنعانی، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۷؛ ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۴۵، ص ۴۳؛ ابن ماجه، ۱۴۳۰، ج ۳، ص ۲۵۲؛ نسائی، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۴۳۶ و ج ۹، ص ۳۶۲) که برای نمونه یکی از آنها را نقل می‌کنیم.

«حَدَّثَنَا هُشَيْمٌ أُنْبَأَنَا أَجْلَحُ عَنْ يَزِيدَ بْنِ الْأَصَمِّ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ: أَنَّ رَجُلًا قَالَ لِلنَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَا شَاءَ اللَّهُ وَ شِئْتُ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أَجَعَلْتَنِي وَاللَّهِ عَدْلًا بَلْ مَا شَاءَ اللَّهُ وَحْدَهُ».

(ابن حنبل، ۱۴۲۱، ج ۴، ص ۲۷۴ و ۳۹۵؛ ج ۵، ص ۴۶۲ و ج ۷، ص ۱۱۰)

یکی از روایان این حدیث، اجلح (یحیی بن عبد الله بن معاویه ابو حجیه الکنندی) است که از اصحاب امام صادق(ع) و روایان جلیل به شمار آمده (خویی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۶۵) و در گذشته ۱۴۵ هجری قمری است (ابن حبان، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۱۷۵) و در بسیاری از منابع اهل

سنت توثیق شده (عجلی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۱۲) و به عنوان راوی راستگو و صدوق که چیز منکری از او یافته نشده، معرفی و تنها عیب او شیعه بودن دانسته شده است. (ابن جوزی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص ۶۴؛ ابن ابی حاتم، ۱۴۲۷، ج ۱، ص ۲۲۶۳) ممکن است که این حدیث توسط اجلح و امثال او وارد منابع اهل سنت شده و پس از حذف بخش‌های مناسب با عقاید شیعه، در آن منابع نقل شده است.

هم‌عصر بودن اجلح با امام باقر و امام صادق «علیهما السلام» نشانگر آن است که امام باقر «ع» به نسخه اصلی همین احادیث که راویان مختلف به صورت‌های مختلف بخش‌هایی از آن را نقل کرده‌اند، اشاره و آن را به طور کامل برای راوی نقل کرده است. مؤید این نظر، وجود احادیث مشابه حدیث نقل شده از امام باقر «ع» در منابع معاصر امام باقر و امام صادق «علیهما السلام» است. از آن جمله می‌توان از کتاب جامع معمر بن راشد متولد ۹۵ و متوفی ۱۵۳ هجری قمری یاد کرد که مشابه این حدیث را از عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ از رسول خدا «ص» نقل کرده (ابن راشد، ۱۴۰۳، ج ۱۱، ص ۲۷) و معاصر امامت امام باقر و امام صادق «علیهما السلام» یعنی میانه سال‌های ۹۵ تا ۱۴۸ هجری قمری است.

نتیجه‌گیری

بررسی انجام شده در مقاله حاضر نشان می‌دهد که حدیث بعوضه حاصل چندین آسیب در روایتی با مضمون صحیح است. مراحل تغییر و پدید آمده حدیث بعوضه را می‌توان این‌طور مشخص کرد:

- ۱- روایت با مضمون منع از گفتن «ما شاء الله ثم شاء محمد، ما شاء الله ثم شاء علی» از زبان رسول خدا «ص» صادر شده است.
- ۲- روایت مذکور همان‌طور که از نقل‌های مختلف آن روشن است، به صورت نقل به معنا، از میان راویان تداول یافته و با سلیقه هر یک یا تفاوت‌های در ضبط هر راوی، تغییراتی در آن پدید آمده است. (آسیب نقل به معنا)
- ۳- به دلیل وجود عبارت «محمد در برابر قدرت خدا جز همانند مگسی نیست که در این املاک گسترده پرواز می‌کند و علی در برابر قدرت او، چیزی جز همانند پشه‌ای در میان این

املاک نیست» و وجود واژه‌های مشابه در آیه ۲۶ سوره بقره، تصور ارتباط آن دو پدید آمده و تطبیق نادرست موجب شده برخی معتقد شوند که عبارت مذکور در روایت، تأویل آیه است و این اعتقاد در میان شیعیان منتشر شده است. (آسیب فهم نادرست و تطبیق غیر دقیق روایت بر آیه)

۴- اعتقاد مذکور به امام باقر(ع) عرضه و از سوی آن حضرت رد و روایت اصلی و صحیح ارجاع داده شده است.

۵- باور مذکور از سوی یکی از باورمندان به آن با سندی ساختگی به عنوان تأویل آیه ۲۶ سوره بقره از زبان امام صادق(ع) در تفسیر قمی وارد شده است. (تدلیس سندی)

نتیجه اینکه ریشه صحیح حدیث بعوضه، به طور کامل در دسترس قرار دارد که در تفسیر امام عسکری(ع) از زبان امام باقر(ع) ذکر شده و حدیث بعوضه برداشتی نادرست از آن بوده که به شکل حدیث به امام صادق(ع) نسبت داده شده است.

منابع

- قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم (۱۴۳۱ هـ. ق)، *کفایة الاصول*، قم: مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث.
- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن منزوی (۱۴۰۸ هـ. ق)، *الذریعة إلى تصانیف الشیعة*، قم و تهران: اسماعیلیان و کتابخانه اسلامیة.
- ابن ابی جمهور، محمد بن علی (۱۴۰۵ هـ. ق)، *عوالی الآلی*، قم: انتشارات سید الشهداء (ع).
- ابن ابی حاتم، عبد الرحمن (۱۴۲۷ هـ. ق)، *علل الحدیث*، بی جا: مطابع الحمیضی.
- ابن جوزی، عبدالرحمن (۱۴۰۶ هـ. ق)، *الضعفاء و المتروکون*، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن حبان، محمد (۱۳۹۶ هـ. ق)، *المجروحین من المحدثین و الضعفاء و المتروکین*، حلب: دارالوعی.
- ابن حنبل، احمد (۱۴۲۱ هـ. ق)، *مسند*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- ابن راشد، معمر (۱۴۰۳ هـ. ق)، *الجامع* به پیوست مصنف عبدالرزاق، پاکستان: المجلس العلمی.
- ابن غضائری، احمد (۱۳۶۴ هـ. ش)، *رجال*، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

- ابن ماجه، محمد (۱۴۳۰ هـ. ق)، سنن، بیروت: دارالرساله العالمیه.
- استادی، رضا (۱۳۸۳ هـ. ش)، **آشنایی با تفاسیر - عدم تحریف قرآن و چند بحث قرآنی**، تهران: نشر قدس.
- استرآبادی، سید شرف‌الدین (۱۴۰۹ هـ. ق)، **تأویل الآیات الظاهره**، قم: انتشارات جامعه مدرسین قم.
- اسعدی، محمد (۱۳۹۰ هـ. ش)، **آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- امام عسکری «ع»، حسن بن علی (۱۴۰۹ هـ. ش)، **تفسیر**، قم: مدرسه امام مهدی (عج).
- امین، سید محسن (۱۴۰۶ هـ. ق)، **اعیان الشیعہ**، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- انصاری، مرتضی (۱۴۲۴ هـ. ق)، **فرائد الأصول**، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- ایازی، سید محمد علی (۱۳۷۳ هـ. ش)، **المفسرون حیاتهم و منهجهم**، تهران: وزارت ارشاد.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۶ هـ. ش)، **مکاتب تفسیری**، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- بحرانی. سید هاشم (۱۴۱۶ هـ. ق)، **البرهان فی تفسیر القرآن**، تهران: بنیاد بعثت.
- بروجردی، سید حسین (۱۴۱۶ هـ. ق)، **تفسیر الصراط المستقیم**، قم: موسسه انصاریان.
- تبریزی، موسی (۱۳۸۸ هـ. ش)، **اوثق الوسائل حاشیه بر فرائد الاصول**، قم: سماء قلم.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ هـ. ق)، **رجال**، قم: دارالذخائر.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ هـ. ق)، **معجم رجال الحدیث**، قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
- دلبری، سید علی (بهار و تابستان ۱۳۸۹ هـ. ش)، «آسیب - نقل به معنا - در احادیث، عوامل و پیامدها»، **مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث**، سال چهل و دوم، شماره پیاپی ۳/ ۸۴، ۳۲ ص.
- _____، (بهار و تابستان ۱۳۹۲ هـ. ش)، «ادراج در متن حدیث: انواع، عوامل و پیامدهای آن»، **تحقیقات علوم قرآن و حدیث**، سال دهم، شماره ۱، ۲۵ ص.
- ربانی، محمدحسن (۱۳۸۰ هـ. ش)، **دانش درایه الحدیث: همراه با نمونه‌های حدیثی و فقهی**، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- رستمی، علی اکبر (۱۳۸۰ هـ. ش)، **آسیب‌شناسی و روش‌شناسی تفسیر معصومان علیهم السلام**، بی‌جا: کتاب مبین.

- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵ هـ. ش)، **درآمدی بر تفسیر علمی قرآن**، قم: اسوه.
- سید رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ هـ. ق)، **نهج البلاغه**، محقق عزیز الله عطاردی، قم: مؤسسه نهج البلاغه.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ هـ. ش)، **مبانی و روش های تفسیری**، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴ هـ. ق)، **بصائر الدرجات**، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی.
- صنعانی، عبدالرزاق بن همام (۱۴۰۳ هـ. ق)، **مصنف**، بیروت: المکتب الاسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ هـ. ق)، **الغیبه**، قم: مؤسسه معارف اسلامی.
- _____، (۱۳۶۵ هـ. ش)، **التهذیب**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- _____، (۱۴۱۵ هـ. ق)، **رجال**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
- عجللی، احمد بن عبدالله (۱۴۰۵ هـ. ق)، **تاریخ الثقات**، مدینه منوره: مکتبه الدار.
- فتاحی زاده، فتحیه (تابستان ۱۳۸۷ هـ. ش)، «اعتبار سنجدی احادیث تفسیری علی بن ابراهیم در تفسیر قمی»، **نشریه مطالعات اسلامی**، شماره ۸۰، ۹ ص.
- قطیفی، احمد بن صالح آل طوق (۱۴۲۲ هـ. ق)، **رسائل**، بیروت: دار المصطفی لإحياء التراث.
- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ هـ. ش)، **کنز الدقائق و بحر الغرائب**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷ هـ. ش)، **تفسیر**، قم: دار الکتاب.
- قمی، سید تقی طباطبایی (۱۴۱۳ هـ. ق)، **عمده المطالب فی التعلیق علی المکاسب**، قم: انتشارات محلاتی.
- _____، (۱۴۲۳ هـ. ق)، **الأنوار البهیة فی القواعد الفقهیة**، قم: انتشارات محلاتی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ هـ. ش)، **الکافی**، تهران: اسلامیة.
- کشی، محمد بن عمر (۱۳۴۸ هـ. ش)، **رجال**، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- لاری، سید عبدالحسین (۱۴۱۸ هـ. ق)، **المحکم و المتشابه** (منتشر شده در ضمن مجموع الرسائل)، قم: بنیاد معارف اسلامی.
- مازندرانی، محمد صالح (۱۳۸۲ هـ. ق)، **شرح الکافی**، تحقیق و تصحیح: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الاسلامیه.

- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ هـ. ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مروجی، علی (۱۴۱۰ هـ. ق)، *تمهید الوسائل فی شرح الرسائل*، قم: مکتب النشر الاسلامی.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۹۳ هـ. ش)، *وضع و نقد حدیث*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی و دانشگاه قرآن و حدیث.
- مشکینی، علی (۱۳۷۱ هـ. ش)، *اصطلاحات الاصول و معظم ابجاثها*، قم: دفتر نشر الهادی.
- معارف، مجید (۱۳۸۹ هـ. ش)، *تاریخ عمومی حدیث*، تهران: کویر.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹ هـ. ش)، *تفسیر و مفسران*، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- _____، (۱۴۱۸ هـ. ق)، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، مشهد: الجامعة الرضویه للعلوم الاسلامیه.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۰ هـ. ش)، *روشن‌های تفسیر قرآن*، قم: اشراق.
- _____، (۱۳۹۱ هـ. ش)، *علم الدراية التطبيقی*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- نجاشی، احمد بن علی (۱۴۰۷ هـ. ق)، *رجال*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- نسائی، احمد بن شعیب (۱۴۲۱ هـ. ق)، *سنن کبری*، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- هاشمی، سیده فاطمه (۱۳۸۷ هـ. ش)، *بررسی صحت و اعتبار روایات تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)*، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

Examining the Interpretive Hadith of Mosquito (*ba'uza*) in Qomi Exegesis and its Defects

Seyyed Reza Mo'addab^۱
Mohsen Dallir^۲

Received: ۲۱/۴/۲۰۱۶

Accepted: ۲۲/۱۰/۲۰۱۶

By the pass of time, some hadiths have suffered damages including: paraphrasing without observing its qualifications, alteration and inaccurate application of the hadith to the verses of Qur'an. These defects are considered obstacles to proper understanding of the hadith and its acceptance without further inquiries. It is therefore necessary to examine the authority and source of a hadith prior to its acceptance or rejection, and prior to its interpretation, given it is accepted.

The hadith known as that of mosquito (*ba'uza*) is among those claimed as forged. It is published on the authority of Imam Sadegh (PBUH) and narrated in the Qomi Exegesis claiming that the mosquito mentioned in the verse 26th of the Sura al-Baqara refers to Imam Ali. There is also a hadith in the exegesis attributed to Imam Askari (PBUH) which some consider as an evidence to the falseness of the mentioned hadith. Contrary to the cited view, others try to find a justification to reconcile the two hadith.

Examining the isnad and the text of the mosquito hadith and technically evaluating it by gathering other hadiths on the issue, this article has considered both the possibility of reconciliation or preference of each hadith. Eventually it became clear that the hadith was damaged due to improper paraphrasing which made ground for misunderstanding, alteration in the text and use of deceitful methods (*tadlis*) in the isnad can also be traced back in this hadith. It is also concluded that denoting mosquito to Imam Ali (PBUH) in the 26th verse of the second sura, as the exoteric meaning of the verse is not correct, the correct hadith of it being available.

Keywords: Hadith of mosquito (*ba'uza*), Alteration, Qomi Exegesis, Imam Askari Exegesis, Defects of hadith

^۱Full professor of Hadith and Quranic sciences at Qom University

^۲PhD student at Qom University